

## برگزاری آئین بزرگداشت پدر وسترن فارسی و پسر هنرمندشان در شیراز

آیین یادبود هنرمند جوان حسین جمالی و بزرگداشت نگهدار جمالی پدر وسترن ایرانی در تالار فرهنگ کتابخانه ملیشیراز برگزار شد.

به گزارش خبرنگاران گروه فرهنگ هنر و رسانه گزارش خبر، مراسم یادبود هنرمند جوان حسین جمالی و بزرگداشت پدر بزرگوارشان نگهدار جمالی (پدر وسترن فارسی) سه شنبه در تالار فرهنگ مرکز اسناد رسمی و کتابخانه ملی شیراز با حضور جمعی از هنرمندان هنردوستان مسئولان اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس و انجمن سینمای جوانان ایران دفتر شیراز برگزار شد.

روز سه شنبه در تالار فرهنگ مرکز اسناد و کتابخانه ملی شیراز به همت جمعی از هنرمندان شیراز و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس و انجمن سینمای جوانان استان فارس با حضور جمعی از اساتید هنری فارس مجلس یادبود هنرمند جوان حسین جمالی و همچنین بزرگداشت پدر بزرگوارشان نگهدار جمالی پدر وسترن فارسی برگزار شد و اساتید حوزه های متفاوت هنری فارس به اجرا و خاطره گویی پرداختند که عبارتند از:

کامران حیدری مستندساز (من نگهدار جمالی وسترن میسازم)

محمد ناصری راد فیلمساز

شمس الوفاق شفيعی پیشکسوت بازیگری

جناب صمدی پیشکسوت بازیگری

جناب حق نگهدار از اساتید فیلمسازی

جناب موسوی معاونت سینمایی فرهنگ و ارشاد فارس

جناب مومنی فیلمساز شیرازی

نورالله رنجبر فیلمساز نویسنده و شاعر

با اجرای بهرام سلمانی

استاد خیراندیش نوازنده نی

جناب عبادتی نوازنده دف

آقایان حشمت‌الله کیانی، علی بلند نظر و محمد ناصری راد تدوین و ساخت کلیپهای و پخش در مراسم را برعهده داشتند.

محمد علی پناهی، سید حسینی، خیرالله نسرين فر، زهرا ستاری مهدی ایمانی زاده و همسرش بانو حاتمی: تدارکات

گفتنی است این مراسم که با حضور خانواده و دوستان حسین جمالی و نگهدار جمالی عزیز و جمعی از هنرمندان و هنر دوستان فارس برگزار شد.

همچنین نورالله رنجبر سوگنامه زیر رادر هجر مرحوم حسین جمالی سرود و قرائت کرد.

حسین از جمع ما کم شد چه غوغایی به دل دارم  
پس از این تلخ تر از مرگ درون خویش آزارم  
حسین از جمع ما کم شد و ما بیداری تلخی ز خوابی تلختر دیدیم  
و ما از رفتن یاران ز جمع خویش ترسیدیم  
چه تلخ این جمع دور خود چو ماری زخم خورده جمع تر گشته

چرا گاهی به بزمی خوش دور هم نمی آییم  
چقد غرقیم در دنیا، بیا لختی بیاساییم  
چرا انقدر خود بر چرخ میساییم  
چرا یکبار دیگر گونه دیگر از این مادر نمی زاییم  
چقد در فکر فرداییم  
و فردایی که گاه هرگز نمی آید  
زمین انگار فردا را برای ما نمی خواهد  
چه باکی هست، مادر آسمانیم و زمین از خویش می کاهد  
زمین از خویش می کاهد گهی باری گران چون معدنی از در(دور)  
و گاهی نغمه ای خوش از گروهی کر  
و گاهی بازی بازیگر از درد دوران پر  
از این رو رفتنت را گرچه اندر آسمان شادی بیفزاید  
زمین را لیک شاید چون تویی دیگر نمی آید  
از این رو غصه بر اهلس فزون آید  
زمین شاید که می چاید  
زمین سرد و غم او سرد  
غمت در سینه آرد درد  
دوباره جمعمان جمع است  
حسین جان لحظه ای برگرد  
حسین جان لحظه ای برگرد تا فیلمنامه سردار دلهارا بسازیم و  
و فرزند برومند هنر را هم نوازیم و  
به خوبان جهان ثابت شود در چه ترازیم و  
به سر سودای فرش قرمز رویا به سر داریم  
نوشتم از نگهدار جمالی یادگار این گل پسر داریم  
نوشتم باید این فرزند را بر روی دست بالا بیندازیم  
ولی افسوس اکنون مرگ تلخت را خبر داریم